



ہمگام با آزادی

خاطرات شفاهی دکتّر سیّد محمد مہدی جعفری

جلد اول

از آغاز تا آزادی از زندان



مصاحبہ و تدوین:

سیّد قاسم یاحسینی

سرشناسه:	یا حسینی، قاسم، ۱۳۴۵ -
عنوان و نام پدیدآور:	همگام با آزادی: خاطرات شفاهی دکتر سید محمد مهدی جعفری / مصاحبه و تدوین سید قاسم یا حسینی
مشخصات نشر:	قم: صحیفه خرد، ۱۳۸۹
مشخصات ظاهری:	۷۲۸ ص: مصور؛ ۲۴ × ۱۷ س.م
شابک:	ج. ۱: ۰ - ۶۵ - ۸۶۳۵ - ۹۶۴ - ۹۷۸
	دوره: ۷ - ۵۷ - ۸۶۳۵ - ۹۶۴ - ۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا
یادداشت:	واژه نامه
مندرجات:	ج. ۱. از آغاز تا آزادی از زندان. -
موضوع:	جعفری، محمد مهدی، ۱۳۱۸ - خاطرات.
موضوع:	جعفری، محمد مهدی، ۱۳۱۸ - مصاحبه.
موضوع:	ایران - تاریخ - پهلوی، ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷
موضوع:	ایران - تاریخ - پهلوی، ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷ - جنبشها و قیامها
شماره کتابشناسی ملی:	۱۹۳۵۹۳۴



همگام با آزادی (۱)

- ناشر: صحیفه خرد
- نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۹
- صفحه‌آرا: محسن شریفی
- لیتوگرافی: ترام اسکندر
- چاپ: زیتون
- صحافی: بیروت
- شمارگان: ۱۵۰۰
- قیمت دوره: ۲۶۰۰۰ تومان
- شابک دوره: ۷ - ۵۷ - ۸۶۳۵ - ۹۶۴ - ۹۷۸
- شابک ج ۱: ۰ - ۶۵ - ۸۶۳۵ - ۹۶۴ - ۹۷۸
- تلفن ناشر: ۷۸۳۲۱۹۸ - ۲۵۱۰

فهرست مطالب

بخش اول: گفتگو / ۱۱

۱۱	■ فصل اول: سالهای تکوین (از برازجان تا شیراز)
۱۳	مقدمه
۲۴	شرکت پدرم در انقلاب ۱۹۲۰ عراق
۲۶	بازگشت به ایران
۲۶	زندگی من
۲۷	دوران نوجوانی من
۲۹	گرایش به سیاست
۳۱	آشنایی با فراشبندی
۳۲	خاطرات کودتای ۲۸ مرداد
۳۴	اولین دیدار با آیت الله کاشانی
۳۶	دانشجویی در شیراز
۳۹	انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شیراز
۴۵	در محفل بهائیان شیراز
۴۸	در محفل هواداران کسروی در شیراز
۵۲	در باب کسروی و اندیشه‌های او
۵۵	در سالن‌های سینما

۵۷	جبهه ملی دوم
۵۸	مراسم ختم آیت الله بروجردی
۵۸	فشار مدیریت دانشگاه
۵۹	نهضت آزادی در شیراز
۶۰	مهندس بازرگان در شیراز
۶۲	کنگره انجمن های اسلامی دانشجویان
۶۵	در مقطع فوق لیسانس
۶۸	آشنایی با آیت الله طالقانی
۷۲	ادامه اختلاف ها
۷۳	تاریخ تأسیس نهضت آزادی
۷۴	اختلاف نهضت آزادی با جبهه ملی دوم
۷۶	دوستی با محمد حنیف نژاد
۸۱	مبارزه فرهنگی
۸۲	کلاس های عقیدتی
۸۴	آشنایی با شهید مطهری
۸۷	حمله به دانشگاه
۸۸	شورش عشایر فارس
۹۰	در انجمن ضد بهائیت
۹۳	اولین بازداشت و زندان
۱۰۰	سخنرانی استاد مطهری در رادیو
۱۰۱	اولین ترجمه
۱۰۱	نهضت آزادی و رفرا ند م ششم بهمن ۱۳۴۱
۱۰۴	ارتباط با نهضت امام خمینی
۱۱۲	در زیر ذره بین
۱۱۳	تبریک به سران کشورهای عربی
۱۱۸	بازداشت

۱۲۲	خانه امید
۱۲۴	بازجویی
۱۲۸	آیت‌الله طالقانی و اختفای دینامیت‌ها
۱۲۹	خرداد خونین ۱۳۴۲
۱۳۲	در زندان قصر
۱۳۴	طالقانی در زندان
۱۳۵	جبهه ملی دوم و پانزده خرداد
۱۳۷	پانزده خرداد و تبلیغات رژیم پهلوی
۱۳۸	مذاکره سران جبهه ملی با رژیم
۱۳۹	سیاست صبر و انتظار
۱۴۲	باند خنجی در زندان
۱۴۴	تفسیر قرآن در زندان توسط حنیف‌نژاد
۱۴۵	امام خمینی و مشی مبارزه مسلحانه
۱۴۶	سیستم خبررسانی در زندان
۱۴۷	محاکمه نهضت آزادی در دادگاه نظامی
۱۵۰	ادعاینامه دادستان علیه جعفری
۱۵۱	امتناع آیت‌الله طالقانی از بلند شدن
۱۵۶	رای دادگاه بدوی
۱۵۹	دادگاه تجدید نظر
۱۶۲	دفاع جعفری در دادگاه
۱۶۷	رای دادگاه تجدید نظر
۱۶۷	دفاع دکتر سبحانی از بازرگان در دادگاه
۱۶۸	استقبال مردم از دادگاه
۱۶۹	اعلامیه خطاب به افسران
۱۶۹	انتشار دفاعیات
۱۷۰	ماجرای مهندس عبودیت

۱۷۱	واکنش امام خمینی به رأی دادگاه تجدید نظر
۱۷۲	یادداشت‌های روزانه زندان
۱۷۲	آیت‌الله طالقانی و تفسیر قرآن در زندان قصر
۱۸۱	شورا در زندان
۱۸۳	طالقانی و پرتوی از نهج البلاغه
۱۸۳	تحلیل طالقانی از نهضت امام حسین
۱۸۴	طالقانی و نماز جمعه در زندان قصر
۱۸۴	کارهای مهم مهندس بازرگان در زندان
۱۸۶	فعالیت علمی دکتر یدالله سجایی در زندان قصر
۱۸۷	ترجمه از زبان عربی در زندان قصر
۱۹۰	فهمیم کرمانی
۱۹۱	شیخ مصطفی رهنما
۱۹۳	ماجرای استاد غفور صندلی‌ساز
۱۹۵	حرمت ترور در اسلام
۱۹۷	آن سوی سکه زندان
۲۰۲	فعالیت علمی در زندان قصر
۲۰۳	برگزاری مراسم سی تیر در زندان
۲۰۴	ندای بند
۲۰۵	سبزی‌کاری در زندان
۲۰۵	اعتراض آیت‌الله طالقانی به مقامات زندان
۲۰۷	جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران (جاما)
۲۱۰	به سوی برازجان
۲۱۵	زندگی در زندان دژ برازجان
۲۱۶	مادر فداکار
۲۱۷	شعری برای شترخانه
۲۱۸	اذان در زندان دژ

۲۲۰	«خلقت انسان» در دژ برازجان
۲۲۳	«خدا در اجتماع» در زندان دژ برازجان
۲۲۴	کمونیسست‌های زندان دژ
۲۲۴	تبعید از زندان برازجان
۲۲۵	به سوی زندان یزد
۲۲۶	در زندان یزد
۲۳۱	کارهای علمی در زندان یزد
۲۳۳	روابط با زندانیان عادی
۲۳۸	اتاق شماره شش
۲۴۰	رهایی از زندان یزد
۲۴۳	بار دیگر زندان شماره چهار قصر
۲۴۴	دکتر کاظم سامی در زندان
۲۴۸	برخورد انسانی با مخالفان دین
۲۵۱	آزادی دکتر یدالله سحابی
۲۵۲	فوت دکتر محمد مصدق
۲۵۲	نوروز ۱۳۴۶
۲۵۳	بحث درباره آینده مبارزه در زندان

بخش دوم: یادداشت‌های روزانه / ۲۵۵

۲۵۵	■ فصل اول: یادداشت‌های روزانه زندان قصر
۴۶۳	■ فصل دوم: یادداشت‌های روزانه زندان‌های قصر، برازجان و یزد
۵۶۹	■ فصل سوم: یادداشت‌های روزانه زندان‌های یزد و قصر
۶۶۱	■ فصل چهارم: یادداشت‌های روزانه زندان قصر

بخش سوم: ضمائم / ۶۶۹

مقدمه

با نام و آوازه دکتر سید محمد مهدی جعفری از همان سال ۱۳۵۸ - ۱۳۵۹ و در دوران فعالیت‌های سیاسی - فرهنگی در مدرسه راهنمایی امیرکبیر و سپس دبیرستان دکتر مصدق (نواب صفوی بعدی) در بوشهر آشنا شدم. جسته و گریخته از این و آن درباره مبارزات و خصوصاً دانش او چیزهایی می‌شنیدم. خود نیز سخنرانی‌ها و کنفرانس‌هایش را در تلویزیون و برخی مقالاتش را در مطبوعات می‌دیدم و می‌خواندم. فکر می‌کنم سال ۱۳۵۹ بود که دوره هشت جلدی کتاب امام علی، تألیف عبدالفتاح عبدالمقصود، نویسنده سنی مذهب اما حقیقت‌جوی مصری، با ترجمه جناب جعفری به دستم افتاد که چند مجلد از آن دوره را با ولع و اشتیاق خواندم.

در سال ۱۳۵۹ و به دنبال گشایش اولین دوره مجلس شورای اسلامی، دکتر جعفری که در آن سالها البته هنوز دکتری خود را نگرفته بود، از طرف مردم دشتستان (برازجان) وکیل شد و راهی مجلس شورای اسلامی گشت.

به دنبال وقایع تلخ و هولناک سال ۱۳۶۰ و قهرآمیز شدن فضای سیاسی و فرهنگی ایران، اخبار نامهربانی‌ها و توهین‌هایی را که به ایشان می‌شد، می‌شنیدم و حتی یک بار شایع شد که عده‌ای از اهالی شهرش با سنگ از او استقبال کرده و سرش را شکسته‌اند! روزی که این خبر را شنیدم این ضرب‌المثل معروف انقلاب کبیر فرانسه را که بارها در آثار دکتر علی شریعتی خوانده بودم با خود تکرار کردم که:

«مر انقلابی فرزندان خود را می‌بلعد!»

شنیده بودم که در سالهای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی سید محمد مهدی جعفری با بزرگانی چون آیت الله سید محمود طالقانی، مهندس مهدی بازرگان و دکتر یدالله سجایی هم سلول و هم بند بوده و بعدها یکی از همکاران فرهنگی سازمان مجاهدین خلق ایران، از دستیاران آیت الله شهید مرتضی مطهری و یکی از همفکران نزدیک دکتر علی شریعتی، چهره محبوب و بت فکری نسل ما، بوده است. اینها همه انگیزه‌ای شد تا ایشان را از نزدیک ببینم و درباره یادها و خاطراتش، خصوصاً درباره مراد آن سالهایم دکتر علی شریعتی، سؤالاتی از او بکنم. این خواست سالهای سال به تعویق افتاد. ایشان در تهران و شیراز ساکن بودند و دست من کوتاه و خرما بر نخیل. همین امر باعث شد تا اولین دیدار ما تا فروردین سال ۱۳۷۳ به تعویق افتد.

در فروردین ۱۳۷۳ به همت مرکز مطالعات بوشهرشناسی و استانداری بوشهر کنگره هشادمین سالگرد شهادت رئیسعلی دلواری در شهر بوشهر برگزار شد. یکی از مدعوین کنگره دکتر جعفری بود. پس از سالها اشتیاق برای اولین بار ایشان را در همان ایام در لابی هتل دلواری بوشهر ملاقات کردم. دوست عزیزم محمد دادفر من را به ایشان معرفی کرد. خیلی سرد و معمولی برخورد کرد و فقط فرمودند:

...بله شما را می‌شناسم. کتابهای شما را خوانده‌ام.

راستش را بخواهید از آن برخورد سرد و بی‌روح حسابی جا خوردم! ...

در سال ۱۳۷۵ استاد دکتر جعفری کتاب سید رضی را در سلسله کارهای به یادماندنی و ابتکاری انتشارات طرح نو به چاپ رساندند. کتاب را خواندم و نقدی بر آن نوشتم و در مجله جهان کتاب به چاپ رساندم. در آن نقد، ضمن برجسته کردن نقاط مثبت کتاب، چند خرده نیز بر آن گرفتم. جنابشان نقد را خوانده، و ظاهراً پسندیده بودند! ...

اوایل فروردین ۱۳۷۷ روزی دوست عزیزم، سردبیر هفته‌نامه نسیم جنوب یونس قیصی‌زاده تلفن کرد و خبر داد که دکتر جعفری مهمان اوست. فرصت را مغتنم شمردم و به خدمتشان شتافتم. برعکس دیدار چهار سال پیش این بار برخوردی گرم و صمیمانه داشتند و از نقدی که بر کتابشان نوشته بودم تشکر کردند. در آن نشست سخن از ایام گذشته و خاطراتشان با مرحومان

طالقانی، بازرگان، مطهری، شریعتی و حنیف نژاد و سعید محسن رفت. دیدم انصافاً خاطرات تاریخی و با ارزشی است که حتماً باید ثبت و تدوین شود.

پرسیدم:

- خاطراتی را که تعریف کردید آیا تحریر هم کرده اید؟

پاسخ دادند:

- خیر.

و سپس اضافه فرمودند:

- هنوز وقت نکرده‌ام. مگر کارهای علمی و خصوصاً تدریس در دانشگاه مجال می‌دهد؟

- اما فکر نمی‌کنید این خاطرات اکنون دیگر تنها متعلق به شما نیست بلکه تعلق به تاریخ مبارزات مردم ایران هم دارد و اگر نوشته یا تدوین نشود، بخشی از تاریخ فکری این مملکت ناگفته می‌ماند؟

- در زندان که بودم روزانه خاطراتم را یادداشت می‌کردم اما پس از انقلاب هنوز فرصت حتی چاپ آن یادداشت‌ها هم دست نداده است.

با اشتیاق پرسیدم:

- آن یادداشت‌ها الآن کجاست؟

- آنها را داده‌ام آقای سرهنگ غلامرضا نجاتی.^۱

موقعیت خوبی بود. پرسیدم:

- چند روز بوشهر تشریف دارید؟

۱. مرحوم سرهنگ نجاتی در تدوین و تألیف جلد دوم کتاب شصت سال خدمت و مقاومت، خاطرات مهندس مهدی بازرگان در گفتگو با سرهنگ غلامرضا نجاتی (چاپ رسا، تهران - ۱۳۷۷) بخش‌هایی از یادداشت‌های روزانه دکتر جعفری را مورد استفاده قرار داده‌اند. در مقدمه، آن مرحوم در این باره چنین نوشته است:

«سه جلد یادداشت‌های آقای دکتر محمدمهدی جعفری در سالهای ۱۳۴۳ - ۱۳۴۵، که آنها نیز در زمره اسناد تاریخی به شمار می‌روند و شامل رویدادهای مهم داخل زندان و اخبار خارج می‌باشد، مورد استفاده نگارنده قرار گرفته است». ج ۲، صفحه ۵ و در پاورقی برخی صفحات بخش ششم (صفحه ۸۹ و صفحه ۹۷ ج ۲) صراحتاً به استفاده از این یادداشت‌ها اشاره کرده‌اند.

- تا سیزدهم هستم.

- اجازه می‌فرمایید خدمتان برسم و بخشی از خاطراتتان را ضبط کنم؟

- مانعی ندارد. فردا برازجان هستم، بیاید.

برازجان شهری است در ۶۵ کیلومتری بوشهر. فردا عصر به اتفاق قیصی زاده و دوست دیگری به برازجان رفتیم. استاد در فضایی گرم و صمیمی و در خانه یکی از اقوامشان از ما پذیرایی کردند و من شروع کردم از آغاز زندگی و حیاتش سؤال کردن. متن گفتگو روی نوار ضبط می‌شد.

در همان فروردین ۱۳۷۷ حدود سه جلسه، هر جلسه نیز سه الی چهار ساعت، بخشی از خاطراتشان از آغاز زندگی تا ایام زندان ضبط شد. بعد از آن حدود شش ماه فترتی در کار ایجاد شد، اما پس از آن هر فرصتی که دست می‌داد و من به شیراز می‌رفتم و یا ایشان به بوشهر می‌آمدند، ساعتی را صرف بیان خاطراتشان می‌کردند. کار بسیار کند و حتی خسته کننده، و البته خیلی پرهزینه...، اما با دقت و حوصله پیش رفت به طوری که ضبط، استخراج، بازنویسی، تدوین و پاک‌نویس کل خاطرات ایشان نزدیک به پنج سال طول کشید و ده‌ها نوار کاست ضبط شد.

در همین فاصله مورخ پرکار مرحوم سرهنگ نجاتی به دیار باقی شتافت و یادداشتهای روزانه دکتر جعفری نزد خانواده آن شادروان باقی ماند، که پس از مدتی تحویل صاحب اصلی اش شد و ایشان نیز از سر لطف آنها را در اختیار من قرار دادند.

قبل از مطالعه این یادداشت‌ها در آغاز تصمیم داشتم متن کامل آن را به طور مستقل و مجزا بازنویسی و آماده چاپ نمایم، اما در جریان مطالعه و خصوصاً بازنویسی و استساخ متوجه شدم که یادداشت‌ها حاوی اطلاعاتی است که اگر خواننده مسبوق به سابقه نباشد، در برخی موارد مطالب برایش گنگ و حتی نامفهوم خواهد بود. پس از مشورت با دکتر جعفری سرانجام تصمیم گرفته شد به عنوان جلد اول خاطرات، مطالب استخراج شده از نوار از آغاز زندگی تا پایان ایام زندان (یعنی سالهای ۱۳۱۸ تا ۱۳۴۶) در بخش اول کتاب جا داده شود تا خواننده پس از

مطالعه متن گفتگوی طولانی و احاطه نسبی بر برخی وقایع و رخدادها با ذهنی پربه سراغ یادداشت‌های روزانه برود. از این رو جلد اول کتاب همگام با آزادی، شامل دو بخش مجزا اما پیوسته به هم می‌باشد:

۱- بخش اول متن گفتگوی بلند من با دکتر جعفری درباره پدرشان، دوران کودکی و نوجوانی در برازجان، گرایش به سیاست، دانشجویی در شیراز و تهران، عضویت در نهضت آزادی ایران، مبارزه سخت و طاقت‌فرسا در سالهای ۴۲- ۱۳۴۰ در تهران و سرانجام ایام چهار ساله زندان در تهران، برازجان، یزد و بار دیگر در تهران می‌باشد. همان‌طور که گذشت این گفتگوها از روی نوار استخراج، تدوین و تنظیم شده است. کوشیده‌ام با معیار قرار دادن نسل جوان و میزان آگاهی او، گفتمان سیاسی و فرهنگی مذهبی ایران در دهه سی و نیمه اول دهه چهل شمسی را در این گفتگو بازشناسم و برای روشن شدن برخی مطالب، سؤالات ریز و جزئی فراوانی مطرح نمایم تا دکتر جعفری با پاسخ دادن به آن سؤالات، علاوه بر بیان خاطرات زندگی و مبارزات خود، فضای فکری و فرهنگی ایران در این دو دهه را نیز تشریح و تحلیل نماید.

در این گفتگوگاه بر سر تحلیل و تبیین برخی مسائل فکری، سیاسی یا حزبی میان من و ایشان اختلاف نظرهایی پیش می‌آمد که برای حفظ طراوت و تازگی گفتگوها و خصوصاً دیدگاه‌های دو نسل متفاوت، به همان نحو اصلی در این نوشته منعکس شده است.

دکتر جعفری، در این گفتگوی بلند برای اولین بار به مطالبی اشاره کردند که تاکنون در آثار مشابه به این جامعی و کاملی اثری از آنها یافت نمی‌شود.^۱

-
۱. درباره ایام مورد نظر، برخی از معبران دکتر جعفری خاطراتشان را چاپ و منتشر کرده‌اند که اهم آن عبارت است از:
 - سرهنگ غلامرضا نجاتی: شصت سال خدمت و مقاومت، خاطرات مهندس مهدی بازوگان. رسا، جلد اول تهران ۱۳۷۵، جلد دوم تهران ۱۳۷۷.
 - خاطرات مهندس عزت‌الله سبحانی درباره دژ برازجان مندرج در کتاب آقای سرهنگ نجاتی. صفحه ۷۸ تا صفحه ۱۱۰ ج ۲. (آقای سبحانی در تدوین خاطرات خود از یادداشت‌های دکتر جعفری استفاده فراوان کرده‌اند).
 - مهندس مهدی بازوگان: یادداشت‌های روزانه، خاطراتی از دوران زندان، جوانی و سفر حج. انتشارات قلم، چاپ اول، تهران ۱۳۷۶ صفحه ۵۷ تا صفحه ۵۶۲.
 - دکتر ابراهیم یزدی (یکوشش): مقاومت در زندان، خاطرات شادروان عباس رادانی، سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۳ بخشهایی از جریان محاکمات عباس رادانی، محمد بستم‌نگار و مصطفی مفیدی در سال ۱۳۴۳. انتشارات قلم، چاپ اول، تهران ۱۳۷۸.

افزون براین، در تشریح فضای فکری و گفتمان فرهنگی ایران در دهه سی و چهل به محورها و نکاتی پرداخته‌اند که در کمتر کتابی چنین همه‌جانبه به آن پرداخته شده است. به عنوان مثال می‌توان با تکیه بر این گفتگوها دریافت که چرا دغدغه اصلی مذهبی‌های روشن فکر در دهه سی، جنبش بهایی‌گری، کسروی‌گری و مارکسیسم بوده و چه حجم از نیرو، انرژی و امکانات صرف مبارزه با این جریانات شده است. جنبش و روند فکری در آن سالها در میان مسلمانان بیدار و مبارز چه بوده و نهضت امام خمینی در اوایل دهه چهل به چه نیاز عملی و روزمره نسل جوان مسلمان انقلابی پاسخ داده است. چرا و چگونه گفتمان مبارزه پارلمانتاریستی دهه‌های بیست و سی، پس از خرداد خونین ۱۳۴۲ به گفتمان مشی چریکی و مبارزه مسلحانه و استفاده از روشهای انقلابی مبدل شد و زمینه‌های عینی و ذهنی این تغییر و تحول گفتمان چه چیز یا چیزهایی بوده است؟ اولین گروه‌های اسلامی با مشی مبارزه مسلحانه چرا و چگونه تقریباً همزمان در میان مسلمانان سنتی اهل بازار، طلاب حوزه‌های علمیه و دانشجویان و روشنفکران مذهبی تکوین یافت و رشد کرد و نظر گروه‌های مبارز مذهبی درباره تاکتیک و استراتژی قلمرو انقلابی و گفتمان معطوف به خشونت سیاسی و انقلابی در نیمه اول دهه چهل در داخل زندان و بیرون آن چه بوده است؟ رژیم شاه با زندانیان سیاسی چه رفتاری داشته و برای آرام نگاه داشتن آنان از چه ترفندی استفاده می‌جسته است؟ تولیدات فکری و فرهنگی روشنفکران مذهبی در زندان چه بوده است؟ اینها و ده‌ها موضوع ریز و درشت دیگر، مطالب و محورهای اصلی بخش اول کتاب را تشکیل می‌دهند.

۲- بخش دوم شامل متن کامل یادداشتهای روزانه دکتر سید محمد مهدی جعفری در زندان است. این یادداشت‌ها از روز اول فروردین سال ۱۳۴۳ آغاز و تا روز سیزدهم اردیبهشت ۱۳۴۶ ادامه می‌یابد. آن‌طور که خود ایشان به من اظهار داشته‌اند خاطرات و یادداشتهای روزانه فروردین و اردیبهشت ۱۳۴۶ نیز در همان ایام در دفتری جداگانه نوشته شده بود که سال‌ها مفقود شده بود. خوشبختانه پس از آماده شدن این کتاب برای چاپ، آن دفتر نیز پیدا شد. یادآور می‌شود که آقای جعفری در سال ۴۲ هم چیزی یادداشت نکرده و آنچه درباره آن سالها ثبت شده از حافظه می‌باشد.

یادداشتها در تقویم و سررسید سالانه بانک ملی ایران به صورت روزانه یادداشت شده و هر سال در دفتری جداگانه (جمعاً سه دفتر) تحریر گردیده است. نویسنده در همان زندان برای هر سال فهرست ماهانه و سالانه‌ای استخراج کرده بود که شامل اهم اخبار و وقایع مهم داخل زندان، خارج از زندان و خارج از ایران می‌باشد.

یادداشت‌های روزانه دکتر جعفری را باید یکی از منابع دست اول و بسیار مهم تاریخ انقلاب اسلامی ایران و جریان فکری و فرهنگی درونی آن به شمار آورد. در خلال این نوشته‌ها خواننده برای نخستین بار با اخبار درونی زندان شماره چهار قصر در سالهای ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۵ آشنا می‌شود و اطلاعات بکر و جالبی درباره زندان‌های دژ برازجان و نیز لیست کامل زندانیان سیاسی، اتهام آنان، مدت محکومیت هر کدام و ... را به دست می‌آورد. علاوه بر این چون این زندانیان شماره چهار قصر دارای شبکه ارتباطی و اطلاعاتی بسیار قوی و منظمی بوده‌اند، علاقه‌مندان به پژوهش‌های تاریخی می‌توانند آگاهی‌های نابی درباره احزاب و تشکل‌ها و گروه‌هایی چون نهضت آزادی ایران، جنبه ملی دوم، جاما، حزب مردم ایران، حزب ملت ایران (پان ایرانیست‌ها) هیأت‌های مؤتلفه اسلامی، حزب ملل اسلامی، حزب توده، گروه خلیل ملکی، گروه پرویز نیکخواه، گروه حکمت جو، گروه احمد آرامش، روحانیون انقلابی و مبارزه گران قم و مشهد و جنبش دانشجویی ایران به دست آورد.

علاوه بر این، یادداشت‌های فوق‌الذکر همچنین حاوی جزئیات جلسات دادگاه تجدید نظر سران و اعضای نهضت آزادی ایران و برخی محاکم نظامی دیگر است که در آن مخالفان مذهبی و غیر مذهبی رژیم محمدرضا شاه پهلوی به محاکمه کشیده می‌شدند. نکته جالبی که از یادداشت‌های روزانه دکتر جعفری مستفاد می‌گردد این است که شکنجه و تعذیب بدنی و جسمی زندانیان و محکومان سیاسی اگرچه رایج‌ترین شکل اعمال قدرت بر زندانیان سیاسی بود،^۱ اما

۱. برای تحلیل فلسفی جامعه شناختی «تعذیب» به عنوان نمادی از اعمال قدرت بر زندانی نگاه کنید به:

- میشل فوکو: مراقبت و تنبیه، تولد در زندان. ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهانپنده. نشر نی، چاپ اول، تهران ۱۳۷۸ صفحه

میزان آزادی عمل و حتی خودگردانی نیز تا اندازه زیادی دست کم در زندان شماره چهار قصر تهران در فاصله سالهای ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۵ وجود داشت و تا هنگامی که زندانی رام و آرام بوده، اقدام خشن و غیرمتعارفی علیه او انجام نمی گرفته است. فضایی که البته در آغاز دهه پنجاه و به دنبال آن فعال شدن جنبش چریکی در ایران به کلی دگرگون گشت.^۱

در بازنویسی یادداشت ها تلاش شده است تا برای حفظ اصالت متن اصلی، که سندی است منحصر به فرد، کمترین و کوچکترین دخل و تصرفی و یا احیاناً حذف و سانسوری صورت نگیرد و فقط برای سهولت قرائت متن، جملات علامتگذاری شده است. در برخی موارد بسیار معدود که جمله ای تا تمام مانده یا مبهم است، یک یا حداکثر دو کلمه اضافه شده که با علامت [] از متن اصلی مجزا شده است.

جلد اول کتاب حاضر، خاطرات و یادداشت های دکتر جعفری از ابتدا تا اردیبهشت سال ۱۳۴۶ می باشد. این اثران شاء الله جلدهای دوم و سوم هم دارد که ادامه گفتگو با ایشان است. در پایان از جناب دکتر جعفری که در طول نزدیک به پنج سال با صبر و بردباری و خوصله درخور تحسینی به کلیه سؤالات من با صرافت و شفافیت خاصی پاسخ دادند و همواره با روی گشاده از ارائه هرگونه عکس، سند، جزوه و آرشیو خصوصیشان به من دریغ نفرمودند، از صمیم قلب تشکر و قدردانی می نمایم.

و همانا توفیق از خداست.

بندر بوشهر، سید قاسم یاحسینی

شهریور ۱۳۸۱

۱. برای آگاهی در این باره مراجعه شود به:

- تأثیر جنبش مسلحانه بر زندانها (نقل از «مجاهد» ارگان سازمان مجاهدین خلق ایران) تکثیر از: اعضای کنفدراسیون جهانی شهر هانوفر، بی نا، بی تا، صفحه ۱ تا صفحه ۳۱.